

تدوین الگوی کیفیت‌بخشی مدارس کارآفرین در هنرستان‌های شهر ساری

سیده خدیجه هاشمی^۱ عصمت مسعودی ندوشن^{۲*} زینب گلزاری^۳

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تدوین الگوی کیفیت‌بخشی مدارس کارآفرین در هنرستان‌های شهر ساری انجام شد. روش پژوهش از نوع مطالعات آمیخته اکتشافی (کیفی-کمی) می‌باشد که از نظریه داده‌بنیاد در بخش کیفی و از روش توصیفی-پیمایشی در بخش کمی استفاده شد. مشارکت‌کنندگان در بخش کیفی شامل متخصصان تعلیم‌ترتیب از جمله اساتید دانشگاه، معلمان، هنرآموزان، مدیران مدارس، کارکنان اداره کل آموزش و پرورش مازندران بودند که از طریق روش نمونه‌گیری هدفمند و به کارگیری معیار اشباع نظری، مصاحبه با ۱۴ نفر انجام شد. در بخش کمی جامعه آماری تحقیق شامل مدیران، هنرآموزان و دبیران هنرستان‌های شهر ساری در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ می‌باشد. حجم نمونه با جدول مورگان، ۲۹۸ نفر تعیین و داده‌ها به روش تصادفی طبقه‌ای جمع‌آوری شد. داده‌ها در بخش کیفی از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته و در بخش کمی با استفاده از پرسشنامه محقق‌ساخته گردآوری شدند. همچنین داده‌ها در بخش کیفی به وسیله کدگذاری باز، محوری و انتخابی و در بخش کمی با استفاده از تحلیل عاملی مرتبه دوم و مدل‌سازی ساختاری مورد تحلیل قرار گرفتند؛ براساس نتایج تعداد ۷۳ کد باز (مفاهیم)، ۲۰ کد محوری (ابعاد و مؤلفه‌ها) و ۶ کد انتخابی (مقوله‌های اصلی) احصاء شدند مقوله‌های عمده و هسته‌ای در قالب ابعاد ۶ گانه شرایط علی، پدیده محوری، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها به سطح انتزاعی بالاتر ارتقاء داده شدند و الگوی پارادایمی پژوهش ارائه گردید. در بخش کمی نیز الگوی کیفیت‌بخشی مدارس کارآفرین مورد تأیید قرار گرفت. این نتایج بینش‌های ارزشمندی برای مدیران در خصوص کیفیت‌بخشی در هنرستان‌ها در حوزه کارآفرینی ایجاد می‌کند.

واژگان کلیدی: مدرسه کارآفرین، کیفیت‌بخشی، هنرستان‌ها، نظریه داده‌بنیاد

^۱ دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
k_ha448@yahoo.com

^۲ استادیار گروه مدیریت آموزشی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
esmatmasoudi141@yahoo.com

^۳ دکتری مدیریت آموزشی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
z_golzari@azad.ac.ir

مقدمه

تحولات اخیر در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و جمعیت‌شناختی نظیر افزایش بیکاری جوانان، رشد ورود فناوری‌های جدید به عرصه آموزش و یادگیری، تغییر روندهای مهاجرت و افزایش تقاضا برای نیروی کار ماهرتر و آگاه‌تر باعث ایجاد چشم‌اندازهای نوینی در خصوص فضاها، محتوا و عاملان آموزشی، روش‌های یادگیری و پیوند قوی‌تر بین آموزش و جهان کار شده‌است. بر این اساس ضرورت دارد که کلیه نظام‌های آموزشی از آموزش‌های پایه، متوسطه، عالی و فنی و حرفه‌ای گرفته تا آموزش عمومی، برنامه‌ریزی لازم را جهت بازنگری نظام آموزشی و تضمین کیفیت نتایج یادگیری و همچنین توسعه مهارت‌های مختلف یادگیری مادام‌العمر انجام دهند تا بتوانند پاسخ‌گوی نیازهای اجتماعی و اقتصادی آینده باشند (ابراهیمی، ۱۳۹۵). با نگاهی به روند رشد و توسعه جهانی درمی‌یابیم که با افزایش و گسترش فناوری‌های پیشرفته، نقش و جایگاه کارآفرینان به‌طور فزاینده‌ای بیشتر می‌شود؛ به بیان دیگر ارتباط مستقیمی بین پیشرفت فناوری و ضرورت آموزش کارآفرینان وجود دارد. کارآفرینی می‌تواند نقش مهمی در رشد اقتصادی و اشتغال‌بازی کند و آموزش کارآفرینی می‌تواند نقشی حیاتی در توسعه کارآفرینان داشته باشد (پسندیده فرد و کیانی مأوی، ۱۳۹۷).

رسالت هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای، تربیت هنرجویانی است که پس از فراغت از تحصیل یا اتمام دوره آموزش بتوانند با کسب شایستگی‌ها به‌آسانی در محیط کار از مهارت خود استفاده کرده و از عهده کارهای محوله برآیند و خود را با تغییرات فناوری هماهنگ سازند؛ این امر مستلزم آن است که برنامه‌های آموزشی هنرستان‌ها متناسب با نیازهای جامعه، شایستگی‌های مورد نیاز و بازار کار طراحی شود. از طرف دیگر دنیای کار و مؤسسات آموزشی بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند؛ بدین ترتیب که مؤسسات صنعتی و خدماتی، فرصت‌های شغلی برای فارغ‌التحصیلان مؤسسات آموزشی فراهم می‌آورند و مؤسسات آموزشی نیز نیروی انسانی ماهر موردنیاز آن‌ها را تربیت می‌کنند؛ بنابراین، برنامه‌های آموزشی هنرستان‌ها نقش مهمی در اشتغال هنرجویان دارند (عباس‌زاده و همکاران، ۱۳۹۷). قابل‌ذکر است که مدارس فنی و حرفه‌ای مدارسی هستند که دانش‌آموزانی دارای مهارت در زمینه رشته تحصیلی خود پرورش می‌دهند و هنرجویان امیدوارند بتوانند مستقیماً وارد دنیای کار شوند. بر این اساس تمرکز توسعه در کارآفرینی نهفته است (کاسکا و ایندراواتی^۱، ۲۰۱۸). مطابق با نظرسنجی نظارت جهانی کارآفرینی، آموزش کارآفرینی به‌عنوان ابزاری جهت ایجاد شغل و تولید ثروت ملل می‌باشد که نشان‌دهنده نقش مهم کارآفرینی در رشد و توسعه جوامع است (سینگر، آموروس، موسکا آرولا^۲، ۲۰۱۵). بی‌شک مدارس کانون اصلی آموزش و پرورش هستند و ضرورت توجه به آموزش و پیامدهای حاصل از آن در زمینه کارآفرینی از مدارس آغاز می‌شود، زیرا نیاز جامعه به دانش‌آموختگان کارآفرین از یک‌سو و ضروریات اجتناب‌ناپذیر بازار کار، اقتصاد ملی و جهانی و نیاز مشاغل آینده به افراد دارای مهارت بیشتر و کارآمدی بالاتر از سوی دیگر اهمیت این موضوع را آشکار می‌نماید. همچنین ناکارآمدی جدی روش‌های فعلی آموزش جهت تربیت دانش‌آموزان خلاق و مسئله‌گرا، توجه به اهمیت و ضرورت آموزش‌های لازم کارآفرینی در مدارس را دوچندان می‌کند (مهرابی، ۱۳۹۷). از آنجا که یکی از مهم‌ترین بخش‌های نظام آموزشی هر کشور آموزش فنی و حرفه‌ای آن بوده و این نوع آموزش از جمله خط‌مشی‌های اساسی کشورها برای تربیت نیروی انسانی کارآمد،

¹ Indrawati & Caska

² Singer, Amoros & Moska-Arreola

خصوصاً جهت آماده‌سازی برای کار در سازمان می‌باشد. در این میان کیفیت، مهارت و شایستگی فارغ‌التحصیلان نظام آموزش و پرورش فنی و حرفه‌ای تا حد زیادی تابع کارایی هنرآموزان این نظام و آگاهی آنان به تحولات روزآمد دانش می‌باشد (امین خندقی و همکاران، ۱۳۹۱)؛ لذا ارتقای شایستگی‌های حرفه‌ای هنرآموزان فنی و حرفه‌ای، ازجمله تدابیر مؤثر برای تضمین کیفیت در نظام آموزش فنی و حرفه‌ای و متعاقب آن، بهبود مستمر کیفیت آن است (خورشیدی و فرخی، ۱۳۹۱). باوجود برداشت متفاوتی که از کیفیت وجود دارد، در نگرش کلی می‌توان گفت که کیفیت اثربخشی یا به عبارت روشن‌تر تحقق و تجلی اهدافی است که برای نظام آموزشی پیش‌بینی شده است. خلاقیت و کارآفرینی در آموزش و پرورش محصول مستقیم کیفیت برنامه‌ها، روش‌ها، فعالیت‌ها و فرایندهای یاددهی-یادگیری است. توجه و تأکید بر کیفیت برای بروز و پرورش خلاقیت‌ها و کارآفرینی حیاتی است. آموزش بدون کیفیت آموزشی سطحی و غیراثربخش است که اهداف عمیق و اصلی آموزشی، ازجمله پرورش خلاقیت کارآفرینی را محقق نخواهد کرد (جلالی و امینی، ۱۳۹۶).

یک تعریف بسیار ساده از کارآفرینی^۱ این است که کارآفرینی عبارت از فرآیند ایجاد ارزش از راه تشکیل مجموعه منحصربه‌فردی از منابع به منظور بهره‌گیری از فرصت‌هاست (آراستی و همکاران، ۱۳۹۲). کارآفرینی ترکیبی از عناصر اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در یک منطقه است که از توسعه و رشد سرمایه‌گذاری‌های مبتنی بر خلاقیت و نوآوری حمایت می‌کنند (آتریچ و همکاران^۲، ۲۰۱۶؛ کونینگام و همکاران^۳، ۲۰۱۹). به‌طور کلی کارآفرینی، به‌عنوان فرایند خلق چیزی ارزشمند و منحصربه‌فرد از طریق اختصاص زمان و کوشش کافی، همراه با ریسک مالی، روانی، اجتماعی به‌منظور دریافت پاداش، استقلال و رضایت فردی تعریف می‌شود (هیسریچ و شپرد^۴، ۲۰۱۶). آموزش کارآفرینی ترکیبی از یادگیری تجربی، آشنایی با ساختار مهارت و مهم‌تر از همه، تغییر نگرش را فراهم می‌کند (بگر، ۲۰۱۱). هنگامی که کارآفرینی وارد آموزش می‌شود، در طول زمان نظام آموزشی نیز به تغییر نیاز پیدا می‌کند. در آموزش کارآفرینی دانش‌آموزان می‌توانند بسیار بانگیزه شوند و برای دیگران مبتنی بر دانشی که به دست می‌آورند، خلق ارزش ایجاد کنند (طغرابی و همکاران، ۱۳۹۷). عناصر کارآفرین در مدارس را می‌توان مدیر، معلم و درنهایت تربیت نیروی انسانی کارآفرین به‌عنوان دانش‌آموز کارآفرین دانست. نظام آموزشی مؤثر و کارآمد هر جامعه‌ای با تکیه بر فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات روز دنیا و با علم بر اثرات جادویی و شگرف آن در دسترسی به آخرین یافته‌های بشری در حوزه‌های مختلف سبب شده است که در عصر امروزی یک انقلاب اینترنتی شکل بگیرد که تمامی جوانب بشری در حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را تحت تأثیر قرار داده است. یکی از راهکارهای ممکن برای رویارویی با چنین جوامعی ایجاد و توسعه مدارس کارآفرین می‌باشد. مدارس کارآفرین باید دارای عوامل اجرایی کارآفرین از مدیران واحدهای آموزشی گرفته تا اولیای دانش‌آموزان باشد. در حال حاضر کشور به شدت نیازمند تأمین، آموزش، بهسازی و نگهداشت کارکنان توانمند کارآفرین است (ستاری و همکاران، ۱۳۹۷). آموزش کارآفرینی در مدارس به معنی توسعه ویژگی‌های شخصی و مهارت‌ها و همچنین آگاه ساختن دانش‌آموزان به خوداشتغالی و مشاغل کارآفرینانه است (پاکو و پالیناس^۵، ۲۰۱۱).

¹ Entrepreneurship

² Audretsch, Lehmann, & Menter

³ Cunningham, Menter & Wirsching

⁴ Hisrich & Shepherd

⁵ Paco & Palinhas

جهت تبیین بهتر مسئله پژوهش، لازم است تا تحقیقات مرتبط با موضوع مرور و نقد شوند. بخشی جهرمی، معظمی، کاووسی و حسین پورسعادت آبادی (۱۴۰۰) پژوهشی با عنوان تدوین الگوی توسعه کارآفرینی در دانشگاه فرهنگیان انجام دادند. نتایج نشان داد الگوی توسعه فرهنگ کارآفرینی شامل مؤلفه های توسعه آموزش کارآفرینی، توسعه شبکه های اجتماعی و مشارکتی است که تحت تأثیر عوامل علی فعالیت های پژوهشی دانشگاهیان، توسعه سرمایه گذاری، توسعه مکانیزم های مالی و توسعه مهارت های شغلی می باشد. همچنین عوامل مداخله گراز جمله، تمرکز بر تغییرات، وجود منابع و عوامل زمینه ای، کار گروهی، توسعه هویت آموزش و توسعه هنجارها بر پدیده محوری نهادینه سازی فرهنگ کارآفرینی اثر گذار می باشند. نهادینه شدن فرهنگ کارآفرینی بر راهبرد های فرهنگ کارآفرینی از جمله توسعه قوانین حمایت گرانه و حمایت بیرونی تأثیرگذار خواهد بود که در نهایت توسعه فردی و توسعه دانشگاه را به عنوان پیامدهای توسعه کارآفرینی به ارمغان خواهد آورد. طغریایی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان طراحی الگوی آموزش کارآفرینانه در مدارس به این نتایج دست یافتند که آموزش مبتنی بر خلق ارزش مقوله محوری آموزش کارآفرینانه است که متأثر از عوامل سبب‌ساز نگرش کارآفرینانه معلم، مسئولان و تصمیم‌گیران در حوزه آموزش مدرسه و والدین است. در نهایت خلق ارزش جدید، تربیت دانش آموز خلاق، نوآور و چندبعدی و دانش‌آموز توانمند با مهارت پیامدها و برون‌داد اصلی آموزش کارآفرینی در مدارس است. ادومجنت و زربروگ^۱ (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان قصد کارآفرینی در میان فارغ‌التحصیلان احتمالی موسسه آموزش عالی در یک تحقیق اکتشافی در مناطق اتیوپی به این نتایج دست یافتند که سطح تحصیلات عالی، تجربه قبلی، خوداشتغالی و شانس گذراندن دوره‌های کارآفرینی فوق‌برنامه، سه متغیر دموگرافیک می‌باشد که تفاوت در قصد کارآفرینی را در بین جمعیت مورد مطالعه توضیح می‌دهد. با این حال، مطالعه نشان داد که جنسیت، شانس گذراندن دوره‌های کارآفرینی به عنوان بخشی از برنامه درسی، شغل والدین و سطح تحصیلات از نظر آماری هیچ ارتباط معناداری با هدف کارآفرینی جامعه مورد مطالعه نداشت. لی و وو^۲ (۲۰۱۹) در پژوهشی تحت عنوان آموزش کارآفرینی و هدف کارآفرینی دانشجویان: آیا همکاری تیمی مهم است؟ این مطالعه با هدف ارائه درک بهتر درباره اینکه چرا آموزش کارآفرینی تمایل به استارت‌آپ را افزایش می‌دهد انجام شد. در این تحقیق، نقش مدون کننده همکاری تیمی در تأثیر آموزش کارآفرینی بر خود کارآفرینی و اشتیاق کارآفرینی مورد بررسی قرار گرفته است. این مطالعه یک مدل دومرحله‌ای را ارائه می‌دهد و اثرات میانجی از خود کارآفرینی و اشتیاق کارآفرینانه را بر رابطه بین آموزش کارآفرینی و هدف کارآفرینی بررسی می‌کند. علاوه بر این، این مطالعه دانش ما در زمینه «چرا و چگونه آموزش کارآفرینانه هدف کارآفرینی دانشجویان در کسب‌وکار را بهبود می‌بخشد» افزایش می‌دهد. مارلیه و سوجیو و همکاران^۳ (۲۰۱۸) در تحقیقی با عنوان مدل آموزش کارآفرینی در مدارس فنی و حرفه‌ای (برنامه مطالعات کشاورزی) به این نتیجه دست یافتند که مدل برنامه‌ریزی یادگیری، پیاده‌سازی و ارزیابی هنوز از آموزش پویایی مدرن - نیمه مدرن استفاده می‌کند که در ایجاد توانایی مهارت‌های نرم‌افزاری کارآفرینی دانش‌آموزان مؤثر نبوده و در میان کارفرمایان طرفدار مهارت‌های نرم‌افزاری (معلم کارآفرینی و سایر معلمان) نیز موثر نبود.

¹ Edomgenet & Zerebruk

² Li & Wu

³ Marliyah, Sugiyono, Masrukhi & Rusdarti

با توجه به آنچه که از پیشینه موضوع ارائه شد و از آنجا که ماهیت عصر حاضر، رقابت شدید، چگونگی عملکرد بازار کار و ظهور اقتصاد دانش محور، توجه به منابع انسانی توانمند و دارای مهارت‌ها، صلاحیت‌ها و شایستگی‌های حرفه‌ای را ضروری ساخته است، با توجه به مبانی نظری، تاکنون جامع و کامل به ابعاد، مهارت‌ها و فعالیت‌های مورد نیاز جهت کارآفرین شدن مدارس فنی و حرفه‌ای پرداخته نشده است، مطالعات انجام‌شده ماهیتاً قیاسی بوده و در بیشتر موارد، صرفاً به شناسایی ابعادی از این پدیده با تبیین برخی از عوامل مؤثر بر فرآیند کارآفرینی مدارس و در مواردی به نگرش‌سنجی پرداخته‌اند. با علم به این شکاف مطالعاتی، در این پژوهش، کاوش فرآیند چگونگی کارآفرین شدن هنرستان‌ها و توجه به ابعاد مختلف آن مورد مطالعه قرار گرفت. این پژوهش تلاش دارد به شناسایی مؤلفه‌ها و تدوین الگوی کیفیت‌بخشی مدارس کارآفرین در هنرستان‌ها بپردازد. در راستای دستیابی به هدف پژوهش، این سؤال مطرح شده است: چه الگوی برای کیفیت‌بخشی مدارس کارآفرین در هنرستان‌ها مناسب است؟

روش‌شناسی

روش پژوهش برحسب هدف، توسعه‌ای و برحسب گردآوری داده‌ها از رویکرد پژوهش آمیخت (اکتشافی متوالی) استفاده شد؛ روش تحقیق آمیخته دربرگیرنده گردآوری، تحلیل و تفسیر داده‌های کمی و کیفی در مطالعه‌ای واحد یا در مجموعه مطالعاتی است که یک پدیده اساسی را مورد مطالعه و تحقیق قرار می‌دهد. در بخش کیفی راهبرد مورد استفاده نظریه داده‌بنیاد است. مشارکت‌کنندگان در پژوهش شامل اساتید صاحب‌نظر در حوزه کارآفرینی، معلمان با سابقه تدریس در درس کارآفرینی، مسئولین و روسای فنی و حرفه‌ای اداره کل استان مازندران، مدیران مدارس فنی و حرفه‌ای و کارودانش شهر ساری در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ می‌باشند. برای مطلع شدن از دیدگاه‌ها و نظرات متخصصان و صاحب‌نظران از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد و با ۱۴ نفر مصاحبه انجام شد. حجم نمونه مورد نظر بر مبنای اشباع نظری داده‌ها صورت گرفت؛ بر این اساس مصاحبه با تعداد ۱۲ نفر به اشباع نظری رسید و برای اطمینان بیشتر دو مصاحبه دیگر انجام شد.

به‌منظور گردآوری داده‌های پژوهش در بخش کیفی، از مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شد. در مصاحبه نیمه ساختاریافته، اجازه پرداختن به ایده‌های جدید داده می‌شود تا در طول مصاحبه به‌عنوان یک نتیجه از آنچه مصاحبه‌شونده می‌گوید، مورد استفاده قرار گیرد. باید تأکید کرد که برای درک مسئله کیفیت‌بخشی مدارس کارآفرین، می‌بایست دیدگاه مشارکت‌کنندگان را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد و از دل داده‌های به‌دست‌آمده از نظرات آن‌ها، الگوی مورد نظر را استخراج کرد. در این میان و برای رعایت اصول اخلاق پژوهش، در جریان مصاحبه‌ها از مشارکت‌کنندگان اجازه خواسته شد تا صحبت‌های آن‌ها ضبط و ثبت شود. پس از پایان هر مصاحبه، به‌طور دقیق در نرم‌افزار اطلس وارد گردید و همزمان مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. لازم به ذکر است که جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها در مطالعات گراند تئوری از ابتدای کار به‌صورت موازی و همزمان باهم پیش می‌روند. همین‌طور کدگذاری‌ها با استفاده از نرم‌افزار اطلس^۱ انجام گرفت. سه مرحله کدگذاری عبارت بودند از: کدگذاری باز^۲، کدگذاری محوری^۱ و

^۱ Atlas7.5.4

^۲ Open Coding

کدگذاری انتخابی^۲. کدگذاری باز به خلق مجموعه‌ای از مفاهیم دست‌اول کمک می‌کند که ضمن اینکه ریشه در داده‌های خام دارند، انتزاعی هم هستند. در این مرحله خط به خط داده‌ها بررسی و با استفاده از کلمات و عبارات کدگذاری گردید. سپس با مقایسه مداوم کدها از نظر تشابه و تفاوت در مفاهیم، طبقات شکل گرفت. در کدگذاری محوری کدها و طبقات مقایسه شده و روابط بین طبقات وزیر طبقه‌ها مشخص شد تا تفسیر دقیق‌تر از پدیده مورد نظر به دست آید. بدین ترتیب که یکی از مقوله‌ها محور فرایند پدیده اصلی قرار گرفت و سپس مقوله‌های دیگر به آن ارتباط داده شدند. این کار با استفاده از یک پارادایم مشخص انجام شد تا روابط بین شرایط علی، پدیده محوری، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها نشان داده شود. در نهایت در طی کدگذاری انتخابی، تحلیلی بر روی تمام مراحل صورت گرفت. جهت اعتبارسنجی در پژوهش از دو روش بازبینی توسط مشارکت‌کنندگان و مرور توسط خبرگان غیر شرکت‌کننده در پژوهش استفاده و پس از دریافت نظرات اصلاحی، ویرایش لازم انجام و الگوی نهایی ارائه شد.

در بخش کمی، روش پژوهش توصیفی از نوع پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل مدیران، دبیران و هنرآموزان هنرستان‌ها و مدارس کارودانش شهر ساری در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ می‌باشند که با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای و با استفاده از جدول مورگان تعداد ۲۹۸ نفر انتخاب شدند. در نمونه‌گیری بخش کمی ۶۱ درصد از مدیران زن و ۳۹ درصد مرد مشارکت داشتند. همچنین سنوات خدمت ۴۶,۳ درصد از مدیران بالای ۲۵ سال، ۲۴,۴ درصد بین ۲۰ تا ۲۵ سال، ۱۹,۵ درصد بین ۱۵ تا ۲۰ سال، ۴,۹ درصد بین ۱۰ تا ۱۵ سال و ۴,۹ درصد کمتر از ۱۰ سال بوده است. مدرک تحصیلی ۶۸,۳ درصد از مدیران کارشناسی ارشد، ۱۷,۱ درصد کارشناسی و ۱۴,۶ درصد دکتری است. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه الکترونیکی محقق ساخته بر اساس مؤلفه‌های استخراج‌شده در بخش کیفی تحقیق بود. پرسشنامه طراحی شده شامل ۸۷ گویه در طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت (کاملاً مخالفم-مخالفم-نظری ندارم-موافقم-کاملاً موافقم) بود. روایی محتوایی پرسشنامه بر اساس نظرات استاد راهنما و مشاور و نیز دو نفر از متخصصان کارآفرینی مورد تأیید قرار گرفت و پایایی آن پس از اجرای مقدماتی از طریق ضریب آلفای کرونباخ برای تک‌تک متغیرها بالاتر از ۷۰ درصد بود که نشان می‌دهد ابزار جمع‌آوری اطلاعات توانایی لازم برای سنجش متغیرهای پژوهش را دارا می‌باشد. تجزیه و تحلیل نتایج با استفاده از نرم‌افزار spss و Amos انجام شد.

^۱ Axial Coding

^۲ Selected Coding

یافته‌ها

یافته‌های بخش کیفی

سؤال اصلی پژوهش: چه الگوی برای کیفیت‌بخشی مدارس کارآفرین در هنرستان‌ها مناسب است؟ جهت پاسخ به سؤال اصلی ابتدا لازم بود که به سؤال فرعی: مؤلفه‌های اصلی در کیفیت‌بخشی مدارس کارآفرین در هنرستان‌ها کدامند؟ پاسخ داده شود. جهت پاسخ به سؤالات فوق، داده‌هایی که در بخش کیفی با مصاحبه عمیق و ژرف‌نگر گردآوری شد، بر اساس روش تحلیل مضمون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در راستای اهداف پژوهش، چندین سؤال از مشارکت‌کنندگان پیرامون ویژگی‌های مدارس کارآفرین پرسیده شد، برای مثال: به نظر شما یک مدرسه کارآفرین چه ویژگی‌هایی دارد؟ آیا ایجاد مدارس کارآفرین را ضروری می‌دانید؟ مهم‌ترین عامل (عوامل) در تبدیل مدارس فنی و حرفه‌ای به مدارس کارآفرین چه می‌باشد؟ چه عوامل و شرایطی می‌تواند موجب کیفیت‌بخشی مدارس فنی به مدرسه کارآفرین شود؟

نتایج آنالیز داده‌ها برای تعیین مفاهیم در واقع همان کدگذاری باز است که مفاهیم اولیه و طبقات شکل می‌گیرند. کوربین و اشتراوس (۲۰۰۸) عنوان می‌دارند میکروآنالیز شکل متفاوتی از کدگذاری نیست بلکه این روش نوعی کدگذاری باز با جزئیات بیشتر است. بر همین اساس پژوهشگر با مطالعات مکرر، دقیق و موشکافانه متن مصاحبه، مفاهیم را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. بدین شکل که همه یافته‌ها و معانی احتمالی موجود در داده‌ها را در نظر گرفته و به داده‌ها برچسب مفهومی اطلاق شد. برای ساخت مفاهیم مورد اشاره، داده‌ها به بخش‌های قابل مدیریت تفکیک شدند. نام‌گذاری مفاهیم یا محقق ساخته و یا برگرفته از واژه‌های مصاحبه‌شونده بود. لازم به ذکر است این برچسب‌ها ثابت نبوده و قابل تغییر بودند. محقق یا پیشرفت کار و استخراج کدهای اولیه، آن‌هایی را که بر یک معنا و مفهوم دلالت داشتند، کنار هم قرار داده و یک طبقه مفهومی با سطح انتزاعی بالاتر و مفهوم کلی‌تر تشکیل داد. با انجام تحلیل ماکروسکوپی و یا تحلیل کلی‌تر، مفاهیم براساس ویژگی‌های مشترک طبقه‌بندی شدند. حاصل تجزیه و تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده ۵۹۸ کد اولیه یا باز بود. بعد از ادغام این کدها براساس همپوشانی، ۳۱۳ کد باقی ماند. با مقایسه مداوم کدها و داده‌های خام براساس تشابه و تفاوت، کدهای مشابه در یک طبقه، کنار هم قرار گرفتند و دسته‌بندی اولیه‌ای از کدها به دست آمد. مصادیق و مفاهیم به‌دست‌آمده در ۷۳ طبقه اولیه که پس از ادغام ۱۰۱ زیرطبقه و ۱۰ طبقه اصلی دسته‌بندی شدند.

تحلیل داده‌ها منجر به استخراج طبقات نشان‌دهنده‌ی مؤلفه‌های کیفیت‌بخشی مدارس کارآفرین در هنرستان‌ها می‌باشد. این طبقات در ۱۰ طبقه اصلی از داده‌ها استخراج گردید که در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول ۱: طبقات و زیر طبقات

زیر طبقات	طبقات
از طریق فضای مجازی، از طریق مراجعه حضوری، پرورش نیروی ماهر، توسعه نیروی انسانی، مهارت معلم در تدریس و به چالش کشیدن دانش‌آموزان، به‌روز کردن علم و اطلاعات	آموزش هنرآموزان
تشویق دانش‌آموزان به خلق ایده، تصویرسازی دیوارهای مدرسه، تمرین کسب‌وکار از کودکی، دیدن فیلم‌های آموزشی، آشنایی دانش‌آموزان با افراد کارآفرین جامعه، آشنایی دانش‌آموزان با مراکز پارک‌های فناوری، آشنایی با شرکت‌های دانش‌بنیان، آشنایی با مدل‌های کسب‌وکار، آشنایی با بیزینس پلن	ترویج کارآفرینی
آشنایی دانش‌آموزان با مراحل ثبت شرکت‌ها، آشنایی دانش‌آموزان با مراحل ثبت و اجرای ایده، برگزاری جشنواره‌ها، برگزاری رویداد ایده بازار، چالش کشیدن ذهن دانش‌آموزان، برگزاری رویدادهای استارت‌آپی، آشنایی دانش‌آموزان با مراحل راه‌اندازی کسب‌وکارها، آشنایی با محیط کسب‌وکار جامعه	توانمندی در کارآفرینی
برنامه‌ریزی هدفمند، برنامه کارآفرینی مدرسه محور در مقطع ابتدایی با همکاری مدیران به‌صورت فوق‌برنامه، سنجش خلاقانه محور، یادگیری کارآفرینی دانش‌آموزان مقطع متوسطه نظری از طریق فضای مجازی، درگیر کردن دانش‌آموزان در بحث علمی کسب‌وکار، پرورش نیرو بر اساس نیازسنجی، بحث تولید محور بودن مدارس، برنامه‌ریزی در به‌کارگیری افراد باتجربه در تدریس، سوق دادن دانش‌آموزان به سمت علم کسب‌وکار توسط مدارس	چشم‌انداز کارآفرینی
ضعف در ثبت ایده‌ها، ضعف مربیان در علم کسب‌وکار و کارآفرینی، ضعف مهارتی مربیان در ارائه خدمات به بازار، عدم اجرای کامل کتاب‌های درسی، عدم اشتیاق دانش‌آموزان به درس کارآفرینی، عدم آشنایی دست‌اندرکاران با استراتژی‌های کارآفرینی، عدم بسترسازی سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مؤثر، عدم تخصیص اعتبار در بحث کارآفرینی، عدم دسترسی دانش‌آموزان به اینترنت در مدارس، عدم حمایت دست‌اندرکاران صف و ستاد، عدم رشد خلاقیت در موضوعات کتاب‌ها، عدم همکاری اولیا	تهدیدها
اتکا به مهارت فردی، ارائه محصولات، اختراع در سطح استان و کشور، اشتغال‌زایی، افزایش قدرت تصمیم‌گیری، بینش کارآفرینانه، پرورش نیروی ماهر، تغییر در دیدگاه، تشویق دانش‌آموزان به خلق ایده، تفکر خلاقانه و نقادانه معلم، تفکر کلی و دید وسیع	فرصت‌ها
آشنایی با شرکت‌های داده بنیان، آشنایی دانش‌آموزان با ثبت شرکت‌ها، آشنایی دانش‌آموزان با مدل‌های کسب‌وکار، آشنایی با افراد کارآفرین جامعه، پذیرش سود کمتر جهت حفظ مشتری، تأثیر زیرساخت‌های فرهنگی، تغییر نگاه دانش‌آموزان در مدارس کارآفرین، تعهد نیروها، خارج شدن مدارس از شیوه سنتی	فرهنگ‌سازی
ایجاد شغل جدید، آزادی عمل بیشتر دانش‌آموزان در مدرسه، آشنایی با بوم کسب‌وکار در کتاب کارآفرینی هنرستان، اختراع در استان و کشور، اهمیت به نگاه کسب‌وکار محور، ارائه محصولات، آموزش همراه با تولید، بازشدن پنجره جدید ذهنی دانش‌آموزان با شرکت در استارت‌آپ‌ها، برگزاری کارگاه‌های استارت‌آپ ویکند، همکاری ان‌لاین مدرسین کارآفرینی با دانش‌آموزان، هر هنرستان یک کارخانه	فعالیت‌های مدارس کارآفرین
همکاری با پارک علم و فناوری، متورها، دانشگاه‌ها، خانواده‌ها، همکاری مدیران مدارس	همکاری با نهادها
آموزش‌ها در قالب کارآفرینی، آموزش اجرای ایده، آموزش از طریق فایل‌های آموزشی، آموزش ایجاد شغل، آموزش بوم کسب‌وکار، آموزش حل مسئله، آموزش خانواده‌ها، آموزش درون مدرسه‌ای به همراه کارآموزی خارج از مدرسه، آموزش کارگاهی به دبیران، مفهوم‌سازی از طریق ذهنیت افراد، یادگیری تغییر	یادگیری

روش در صورت نرسیدن به اهداف	
-----------------------------	--

سؤال اصلی پژوهش این بود که چه الگوی برای کیفیت‌بخشی مدارس کارآفرین مناسب است؟ با توجه به داده‌های حاصل از کدگذاری، به تدوین الگوی جامع که شامل عوامل علی، عوامل مداخله‌گر، عوامل زمینه‌ای، راهبردها و پیامدهاست می‌پردازیم.

کدگذاری باز: کدگذاری باز اولین مرحله در تجزیه و تحلیل داده‌ها است. در این مرحله داده‌های حاصل از مصاحبه‌های صورت گرفته به‌دقت بررسی می‌شوند. واحد اصلی تحلیل برای کدگذاری باز مفاهیم می‌باشند. مصاحبه‌ها برای یافتن مقوله‌های اصلی، مقوله‌ها، خرده مقوله‌ها به‌طور منظم بررسی شدند. طی این فرایند تعداد ۷۳ کد باز (مفاهیم)، ۲۰ کد محوری (ابعاد و مؤلفه‌ها) و ۶ کد انتخابی (مقوله‌های اصلی) شناسایی شدند.

کدگذاری محوری: در این مرحله ابعاد پارادایم کدگذاری شکل گرفت و شامل ۶ دسته مقوله محوری، شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها بود. کدگذاری محوری بر تمرکز و تعیین مقوله به‌عنوان مقوله هسته‌ای یا مرکزی قرار داشته و سپس سایر مقولات به‌عنوان مقولات فرعی به آن‌ها ارتباط داده می‌شوند. در پژوهش حاضر پس از تعریف مقوله محوری، با کدگذاری مجدد داده‌ها انواع شرایط تأثیرگذار بر مقوله محوری شامل شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها تعریف شدند. مقوله توسعه کیفیت‌بخشی به منزله مقوله مرکزی در مرکز الگو قرار گرفت. دلیل انتخاب این مقوله به‌عنوان مقوله مرکزی این بود که در اغلب داده‌ها رد پای آن را می‌توان به‌وضوح مشاهده کرد؛ به عبارت دیگر اغلب پاسخ‌دهندگان اشاره داشتند که هنرستان‌ها جهت تبدیل شدن به مدارس کارآفرین نیازمند توسعه کیفیت‌بخشی در زمینه کارآفرینی می‌باشند.

- شرایط علی: به شرایطی گفته می‌شود که در آن به بررسی مقوله‌هایی که بر مقوله اصلی مورد پژوهش اثرگذارند پرداخته می‌شود. در ادامه با توجه به مصاحبه‌های انجام‌شده بر اساس نظر خبرگان مشارکت‌کننده ۶ مقوله علی شامل «منابع انسانی»، «منابع مالی»، «آموزش»، «ارتباطات»، «شبکه‌سازی» و «پشتیبانی فرهنگی» به‌منزله شرایط علی اثرگذار بر توسعه کیفیت‌بخشی در کارآفرین شدن هنرستان‌ها شناسایی گردید.

جدول ۲: کدگذاری محوری در مقوله‌ها و مفاهیم مرتبط با شرایط بعد علی

مقوله‌ها	مفاهیم (کدهای باز)
منابع انسانی	(۱) تربیت مربیان ماهر و منتورها (۲) تربیت کارکنان توانمند در کارآفرینی (۳) تربیت دانش‌آموز کارآفرین
منابع مالی	(۱) برنامه‌ریزی مالی برای مدارس کارآفرین (۲) استفاده از منابع مالی با کمک گرفتن از سایر سازمان‌ها و خیرین (۳) بالا بردن امنیت برای سرمایه‌گذاری و ریسک توسط مسئولین
آموزش	(۱) آموزش به همراه کارآموزی (۲) آموزش توسط افراد ماهر در زمینه ایده پردازی (۳) آموزش در جهت آشنایی با مدل‌های کسب‌وکار و تبلیغات برای فروش محصول
ارتباطات	(۱) ارتباط با مراکز رشد و شتاب‌دهنده‌ها (۲) ارتباط با متخصصین و اساتید (۳) ارتباط با صنعت (۴) ارتباط با کارآفرینان در جامعه
شبکه‌سازی	(۱) ایجاد شبکه اینترنتی برای تبادل نظر کارآفرینان (۲) همکاری و تبادل نظر مدارس کارآفرین با دانشگاه‌ها
پشتیبانی فرهنگی	(۱) فراهم کردن زمینه تغییرات فرهنگی همسو با کارآفرینی در فکر و تفکر افراد از طریق رسانه‌ها (۲) همکاری سایر نهادها با آموزش و پرورش در کارآفرینی (۳) بسترسازی فروش محصولات از طریق فضای

مجازی و بازار	
---------------	--

- شرایط زمینه‌ای: مجموعه شرایطی هستند که زمینه ظهور پدیده مورد نظر را فراهم می‌سازد و بر رفتارها و کنش‌ها تأثیر می‌گذارند. در این پژوهش چهار مقوله «فرهنگ‌سازی»، «مهارت‌های مدیریتی»، «برنامه‌ریزی عملیاتی» و «استفاده از فناوری» به منزله شرایط علی اثرگذار بر توسعه کیفیت‌بخشی در هنرستان‌ها عمل می‌کند.

جدول ۳: کدگذاری محوری در مقوله‌ها و مفاهیم مرتبط با شرایط زمینه‌ای

مفاهیم (کدهای باز)	مقوله‌ها
(۱) آشنایی با شرکت‌های داده بنیان (۲) آشنایی دانش‌آموزان با ثبت شرکت‌ها (۳) آشنایی دانش‌آموزان با مدل‌های کسب‌وکار (۴) آشنایی دانش‌آموزان با افراد کارآفرین جامعه (۵) تأثیر زیرساخت‌های فرهنگی (۶) تغییر نگاه دانش‌آموزان در مدارس کارآفرین	فرهنگ‌سازی
(۱) خدمت نوآورانه (۲) همکاری با دانشگاه‌ها (۳) همکاری با پارک علم و فناوری	مهارت مدیریتی
(۱) آموزش‌ها در قالب کارآفرینی (۲) آموزش اجرای ایده (۳) آموزش از طریق فایل‌های آموزشی (۴) آموزش ایجاد شغل (۵) آموزش بوم کسب‌وکار (۶) آموزش حل مسئله (۷) آموزش خانواده‌ها (۸) آموزش درون مدرسه‌ای به همراه کارآموزی خارج از مدرسه (۹) آموزش کارگاهی به دبیران	برنامه‌ریزی عملیاتی
(۱) مهارت فناوری و علم رایانه و زبان انگلیسی (۲) آشنایی دانش‌آموزان با ثبت شرکت‌ها (۳) آشنایی دانش‌آموزان با مراحل ثبت و اجرای ایده (۴) استفاده از فضای مجازی (۵) استفاده از اینترنت	استفاده از فناوری

- شرایط مداخله‌گر: شرایط مداخله‌گر مجموعه‌ای از وقایع، رخدادها و شرایطی هستند که در فرایند توسعه کیفیت‌بخشی در هنرستان‌ها رخ می‌دهند. بر مبنای یافته‌های پژوهش «موانع ادراکی»، «موانع عملیاتی» و «تعارضات» به منزله شرایط مداخله‌گر بر کیفیت‌بخشی در هنرستان‌ها عمل می‌کنند.

جدول ۴: کدگذاری محوری در مقوله‌ها و مفاهیم مرتبط با شرایط مداخله‌گر

مفاهیم (کدهای باز)	مقوله‌ها
(۱) ضعف مربیان در علم کسب‌وکار و کارآفرینی (۲) ضعف مهارتی مربیان در ارائه خدمات به بازار (۳) عدم اشتیاق دانش‌آموزان به درس کارآفرینی (۴) عدم آشنایی دست‌اندرکاران با استراتژی‌های کارآفرینی	موانع ادراکی
(۱) ضعف در ثبت ایده‌ها، (۲) عدم بسترسازی سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مؤثر (۳) عدم تخصیص اعتبار در بحث کارآفرینی (۴) عدم دسترسی دانش‌آموزان به اینترنت در مدارس (۵) عدم اجرای کامل کتاب‌های درسی	موانع عملیاتی
(۱) عدم حمایت دست‌اندرکاران صف و ستاد (۲) عدم نظم‌پذیری دانش‌آموزان خلاق (۳) عدم رشد خلاقیت در موضوعات کتاب‌ها (۴) عدم همکاری اولیا (۵) عدم همکاری دانشگاه‌ها	تعارضات

- راهبردها: راهبردها، کنش‌های هدفمندی هستند که راه‌حلی برای پدیده مورد نظر فراهم می‌کنند و منجر به ایجاد پیامدها و نتایج می‌شوند. راهبردها مبتنی برکنش‌ها و واکنش‌هایی برای کنترل، اداره و برخورد با پدیده مورد نظر هستند. بر مبنای یافته‌های پژوهش «جذب فناوری»، «برنامه درسی انعطاف‌پذیر» و «تربیت افراد کارآفرین» به‌منزله راهبردهای مؤثر در کیفیت‌بخشی مدارس کارآفرین در هنرستان‌ها عمل می‌کند.

جدول ۵: کدگذاری محوری در مقوله‌ها و مفاهیم مرتبط با راهبردها

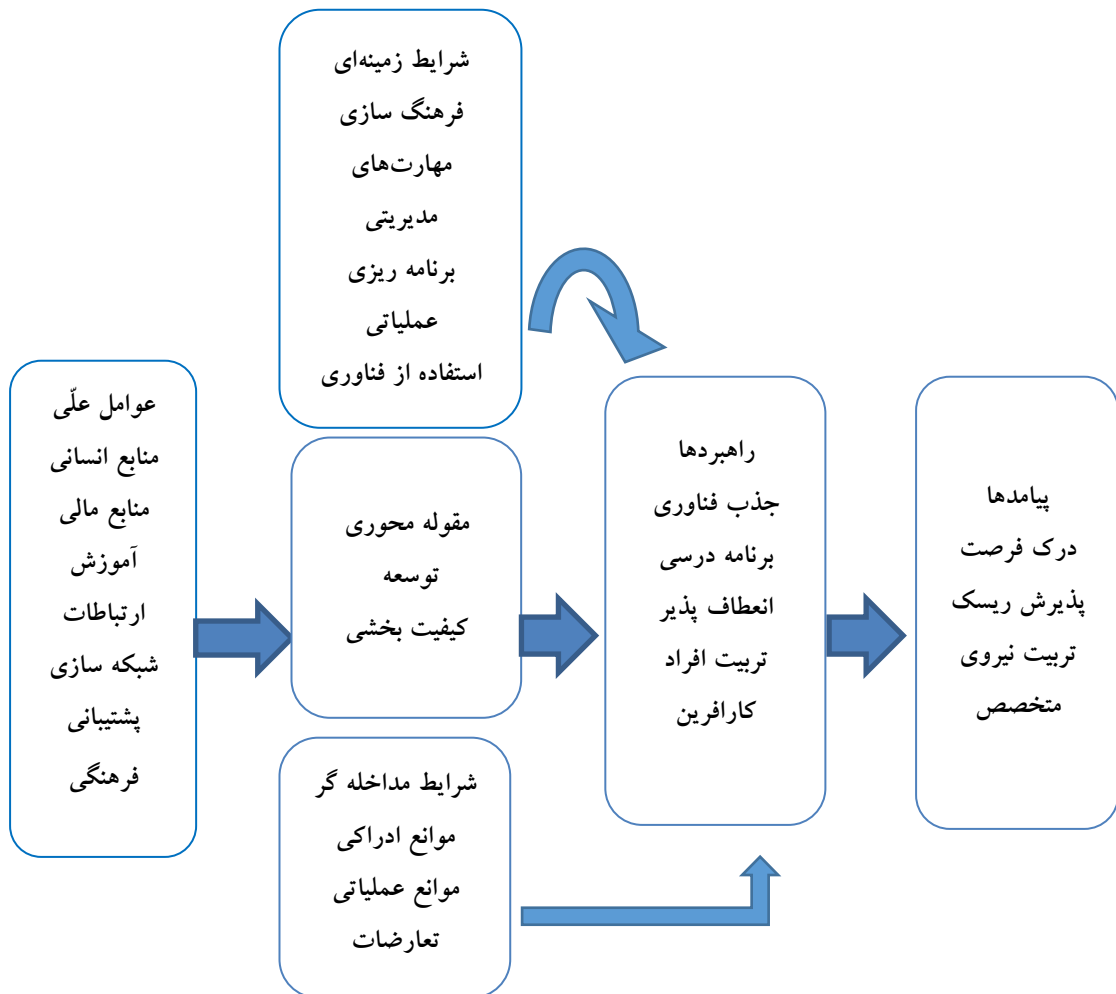
مفاهیم (کدهای باز)	مقوله‌ها
(۱) بستر سخت‌افزاری و نرم‌افزاری (۲) شبیه‌سازی شرکت در مدرسه (۳) اسامانه ثبت ایده حفظ ایده افراد	جذب فناوری
(۱) بازیابی کتاب‌های درسی (۲) استفاده از روش‌های فعالیت محور و اردویی (۳) اصلاح روش‌های تدریس بر پایه خلاقیت	برنامه درسی انعطاف‌پذیر
(۱) کسب مهارت در مدارس کارآفرین (۲) آموزش توسط منتورها و مربیان تعلیم‌دیده (۳) استفاده از کلاس‌های کارگاهی و استارت‌آپی	تربیت افراد کارآفرین

- پیامدها: نتایجی هستند که از راهبردها و کنش‌های مربوط به مقوله محوری حاصل می‌شوند. بررسی کیفیت‌بخشی مدارس کارآفرین چه پیامدهایی در هنرستان‌ها خواهد داشت. بر مبنای یافته‌های پژوهش «درک فرصت» «پذیرش ریسک» و «تربیت نیروی متخصص» به‌منزله پیامدهای الگوی کیفیت‌بخشی مدارس کارآفرین در هنرستان‌ها عمل می‌کند.

جدول ۶: کدگذاری محوری در مقوله‌ها و مفاهیم مرتبط با پیامدها

مفاهیم (کدهای باز)	مقوله‌ها
(۱) آموزش دانش‌آموزان با روش‌های ایده پردازی (۲) برگزاری جشنواره‌ها جهت کشف ایده (۳) آماده‌سازی دانش‌آموزان با یادگیری شایستگی‌های لازم برای ورود به بازار کار	درک فرصت
(۱) مهارت‌های ریسک‌پذیری و تغییر وضعیت (۲) درگیری دانش‌آموزان در کارهای عملی و فروش محصول	پذیرش ریسک
(۱) تربیت منتورها توسط دانشگاه کارآفرین و مراکز رشد (۲) توجه به آموزش کارکنان مدارس کارآفرین (۳) آموزش‌های تخصصی به هنرآموزان	تربیت نیروی متخصص

- کدگذاری انتخابی و ارائه الگوی پارادایمی: کدگذاری انتخابی مرحله سوم واصلی نظریه داده بنیاد است که بر اساس نتایج کدگذاری باز و محوری به ارائه الگوی پارادایمی می‌پردازد. در کدگذاری انتخابی مقوله‌های احصاء شده در مراحل قبلی به یکدیگر ربط داده‌شده و روابط بین آن‌ها بررسی می‌شود. این امر همان فرایند کشف نظریه و ظهور نظریه است؛ یعنی یافتن سازه‌ها، مرتبط ساختن آن‌ها و بررسی ماهیت این رابطه که در نمودار ذیل قابل مشاهده است.



شکل ۱: الگوی پارادایمی کیفیت‌بخشی مدارس کارآفرین

یافته‌های بخش کمی

برای بررسی همبستگی خطی بین متغیرهای مورد بررسی در این تحقیق از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. فرضیه مورد آزمون به صورت زیر است: در این آزمون مقدار به دست آمده p -value را با مقدار $\alpha=0/05$

مقایسه می‌کنیم در صورت کمتر بودن مقدار p -value از $0/05$ فرض H_0 را در سطح ۵ درصد رد می‌کنیم و رد فرض صفر به معنی وجود همبستگی خطی بین دو متغیر است. در ادامه به بررسی وجود همبستگی خطی بین دویه‌دو عوامل موجود در این تحقیق پرداخته می‌شود.

۱- همبستگی بین راهبردها و عوامل علی، عوامل زمینه‌ای و شرایط مداخله‌گر

بر اساس جدول زیر که نتیجه‌ی خروجی اس پی اس اس است میزان برآورد شده‌ی ضریب همبستگی رتبه‌ای اسپیرمن بین راهبردها و سه عامل دیگر در سطح $\alpha = 0/05$ معنادار است زیرا مقدار p -value کمتر از $0/05$ است. بین راهبردها و عوامل علی و عوامل زمینه‌ای رابطه خطی مستقیم نسبتاً قوی وجود دارد زیرا مقدار ضریب همبستگی بین آنها به ترتیب $0/648$ و $0/558$ است و بین راهبردها و شرایط مداخله‌گر نیز رابطه خطی معکوس وجود دارد زیرا مقدار ضریب همبستگی بین آنها برابر با $-0/549$ است.

جدول ۷: همبستگی بین راهبردها و عوامل علی، عوامل زمینه‌ای و شرایط مداخله‌گر

شرایط مداخله‌گر	عوامل زمینه‌ای	عوامل علی	متغیرها	راهبردها
-0/549	0/558	0/648	ضریب همبستگی اسپیرمن	
0	0	0	p-value	

۲- همبستگی بین راهبردها و پیامدها

بر اساس جدول زیر که نتیجه‌ی خروجی اس پی اس اس است میزان برآورد شده‌ی ضریب همبستگی رتبه‌ای اسپیرمن بین این دو متغیر برابر با $0/470$ است که مقدار آن در سطح $\alpha = 0/05$ معنادار است زیرا مقدار p -value کمتر از $0/05$ است؛ بنابراین همبستگی خطی مثبت معناداری بین این دو متغیر وجود دارد.

جدول ۸: همبستگی بین راهبردها و پیامدها

پیامدها	متغیرها	راهبردها
0/470	ضریب همبستگی اسپیرمن	
0	p-value	

تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم

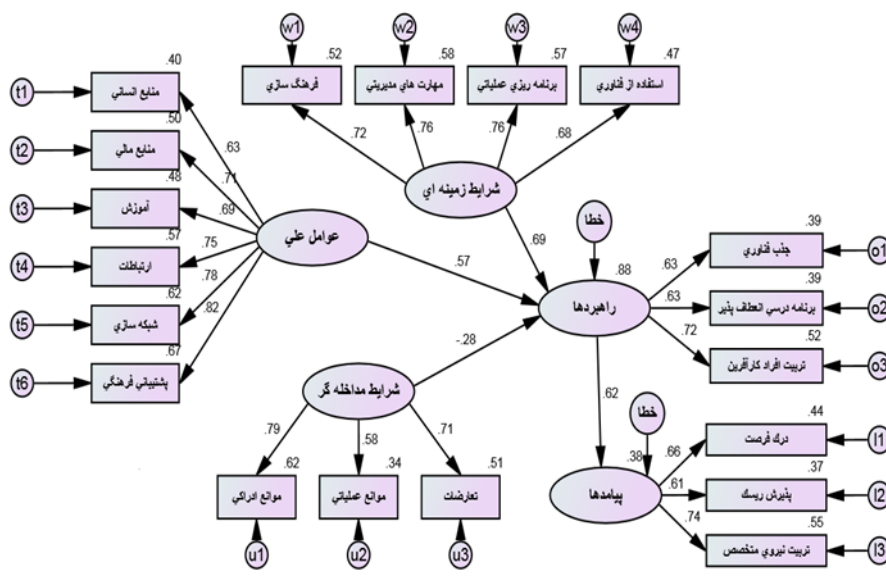
به بررسی مناسبت عوامل درونی الگو توسط نرم‌افزار آموس می‌پردازیم. خروجی‌های موجود در این قسمت از نرم‌افزار آموس تحلیل عاملی تأییدی قسمت‌های مختلف الگوی نهایی را نشان می‌دهد که در آن وجود روابط خطی توسط فلش‌های یک‌سویه نشان داده شده است. اعداد نوشته‌شده روی این خطوط یک‌سویه ضرایب رگرسیونی برآورد شده توسط آموس است. اعداد نوشته‌شده روی هر متغیر هم برآورد واریانس آن متغیر است. منظور از متغیرهای

موجود در دایره های کوچک جملات خطا است که در معرفی الگو با استفاده از آمووس باید در نظر گرفته شود. تمام ضرایب رگرسیونی برآورد شده که بر روی فلش ها نمایش داده شده است در سطح $\alpha=0,05$ معنادار هستند زیرا مقدار p -value آن ها صفر و کمتر از $0,05$ است. همچنین جدول زیر شاخص های مربوط به مطلوبیت الگو را نشان می دهد. بر اساس توضیحات موجود در قسمت معرفی شاخص های مذکور می توان نتیجه گرفت که این الگو از مطلوبیت قابل قبولی برخوردار است. جدول ۹ زیر شاخص های مربوط به مطلوبیت الگو در هر یک از عوامل را نشان می دهد.

جدول ۹: زیر شاخص های مطلوبیت الگو

عوامل	RMSEA	RFI	NFI	GFI	AGFI	RMR
عوامل علی	۰,۰۵۸	۰,۸۹۷	۰,۹۱۶	۰,۹۲۷	۰,۸۹۸	۰,۰۱۸
عوامل زمینه ای	۰,۰۷۳	۰,۸۹۶	۰,۹۱۴	۰,۹۱۱	۰,۸۷۷	۰,۰۳۰
عوامل مداخله گر	۰,۰۲۶	۰,۹۷۳	۰,۹۸۷	۰,۹۹۱	۰,۹۷۲	۰,۰۱۳
راهبردها	۰,۰۷۸	۰,۸۹۵	۰,۹۲۵	۰,۹۴۶	۰,۹۰۷	۰,۰۲۱
پیامدها	۰,۰۵۷	۰,۹۴۱	۰,۹۶۲	۰,۹۷۳	۰,۹۴۶	۰,۰۱۵

در نهایت تحلیل مسیر الگوی نهایی با استفاده از نرم افزار Amos صورت گرفته و همان طور که در ادامه شاخص های برازش الگو نشان می دهند این الگو نیز از اعتبار مناسبی برخوردار است.



شکل ۲: تحلیل عاملی تأییدی قسمت های مختلف الگوی نهایی

جدول ۱۰: شاخص‌های مربوط به مطلوبیت الگوی نهایی

RMR	AGFI	GFI	NFI	RFI	RMSEA
۰,۰۵۳	۰,۸۵۹	۰,۸۹۰	۰,۸۵۹	۰,۸۳۷	۰,۰۶۹

همچنین جدول فوق شاخص‌های مربوط به مطلوبیت الگو را نشان می‌دهد. بر اساس توضیحات موجود در قسمت معرفی شاخص‌های مذکور می‌توان نتیجه گرفت که این الگو از مطلوبیت قابل قبولی برخوردار است.

بحث و نتیجه‌گیری

امروزه جامعه‌ای در جهت سازگاری با تغییرات و رقابت جهانی پیش‌تاز خواهد بود که از نیروی انسانی ماهر، متخصص، خلاق، خودباور و کارآفرین برخوردار باشد. از آنجا که آموزش کارآفرینی یک سرمایه‌گذاری بلندمدت است که آموزش و پرورش برای بسترسازی آن نقش اساسی دارد، چون زیرساخت‌ها باید آماده شوند؛ روند برنامه‌ها و محتوای درسی بازنگری شود و فضایی برای تجربه عملی مشاغل برای دانش‌آموزان فراهم آید. از این رو کارآفرین شدن مدارس می‌تواند زمینه را برای فراهم آوردن توسعه جامعه فراهم آورد و ضروری است که عوامل مؤثر بر کیفیت‌بخشی مدارس کارآفرین در هنرستان‌ها شناسایی گردد. نهادینه شدن فرهنگ کارآفرینی در هنرستان‌ها، امکان تولید منابع انسانی، اجتماعی و اقتصادی را فراهم می‌کند که به واسطه آن پاسخگویی به نیازهای جدید اجتماع میسر می‌گردد. در این زمینه، هارک (۲۰۱۶) اعتقاد دارد که کلید طلایی کسب مزیت رقابتی برای سازمان‌های عصر جدید، ایجاد ساختار سازمانی هماهنگ با دانش کارآفرینی است. با درک پژوهش حاضر که با هدف تدوین الگوی کیفیت‌بخشی مدارس کارآفرین در هنرستان‌ها صورت پذیرفت؛ نتایج نشان داد که الگوی کیفیت‌بخشی مدارس کارآفرین در هنرستان‌ها شامل مؤلفه‌هایی است که تحت تأثیر عوامل علی‌الجزمله منابع انسانی، منابع مالی، آموزش، ارتباطات، شبکه‌سازی، پشتیبانی فرهنگی می‌باشد. همچنین عوامل مداخله‌گر، موانع ادراکی، موانع عملیاتی، تعارضات بر پدیده محوری توسعه کیفیت‌بخشی اثرگذار می‌باشند. هنگامی که به کیفیت‌بخشی در مدارس کارآفرین توجه شود، بر راهبردهای کیفیت‌بخشی از جمله جذب فناوری، برنامه درسی انعطاف‌پذیر، تربیت افراد کارآفرین تأثیرگذار خواهد بود که در نهایت درک فرصت، پذیرش ریسک، تربیت نیروی متخصص را به‌عنوان پیامدهای توسعه کیفیت‌بخشی مدارس کارآفرین به ارمغان خواهد آورد.

نصر اصفهانی، شاهین، حکمت پناه و نصیری (۱۳۹۷) در تحقیق خود به این نتیجه دست یافتند که مدارس کارآفرین و مدیریت صحیح این نوع مدارس می‌تواند موتور محرکی برای رشد اقتصادی کشور باشد و آموزش دانش‌آموزان در دوران نوجوانی و جوانی بر اساس ذهنیت کارآفرینی، می‌تواند نقش بسزایی در توسعه مقوله کارآفرینی در کشور باشد و موجب افزایش اشتغال بشود. نصیری و سرچلهانی (۱۳۹۷) گزارش کرد که مضامین فراگیر در الگوی مدارس کارآفرین شامل زیرساخت‌ها و مؤلفه‌ها (منابع انسانی، فناوری اطلاعات، برنامه درسی جامع، تأمین منابع)، عوامل تأثیرگذار بر فرایندهای کارآفرینی (عوامل پیش‌برنده کارآفرینی، عوامل بازدارنده کارآفرینی)، پیامدها (پیامد درون‌سازمانی، پیامد

برون‌سازمانی) می‌باشد. آهو‌جا، اختر و ولی^۱ (۲۰۱۹) در پژوهشی تحت عنوان توسعه یک مدل جامع از شکل‌گیری هدف اجتماعی کارآفرینی با استفاده از یک ابزار کیفی تلاش کردند تا عوامل موثر بر نیت‌های کارآفرینی اجتماعی را به اثبات برسانند و با کمک اصل پارتو، یک مدل ایجاد کند. در مرحله اول، بررسی ادبی کامل در مورد عوامل مؤثر بر اهداف اجتماعی کارآفرینی انجام شد که نشان‌دهنده تعدادی از متغیرهایی است که بر اهداف اجتماعی کارآفرینی تأثیر می‌گذارد یا مسئول آن هستند. کاسکا و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان تحلیل عوامل مؤثر بر منافع دانش‌آموزان هنرستان‌های حرفه‌ای در پیکانبارو اندونزی به این نتیجه دست یافتند که آموزش کارآفرینی و محیط خانوادگی تأثیر مثبت و معنادار در علائق کارآفرینی از طریق شخصیت افراد دارد. این نتایج می‌توانند همسو با یافته‌های پژوهش حاضر باشند.

در تشریح الگوی کیفی به دست آمده می‌توان گفت که الگوی کیفیت‌بخشی در هنرستان‌ها با ادبیات تحقیق مطابقت دارد. این مطابقت مقوله به مقوله بررسی شده و در اکثر مقوله‌ها و مفاهیم استخراج شده شباهت‌هایی با پیشینه تحقیق مشاهده می‌شود. البته در مورد برخی متغیرها در تحقیقات قبلی کمتر یا اصلاً به آن پرداخته نشده است. در توضیح عوامل علی در الگوی فوق ۶ مقوله بر اساس ابعاد درون‌سازمانی و برون‌سازمانی در مدارس کارآفرین به عنوان عوامل اثرگذار در بروز پدیده محوری شناسایی شدند: منابع انسانی (با نتیجه تحقیقات نصیری و همکار، ۱۳۹۷؛ چاوشی و داودی، ۱۳۹۸)؛ منابع مالی (با نتایج زیوری، محمدی و مظهری، ۱۳۹۹؛ نصر اصفهانی و همکاران، ۱۳۹۷؛ نصیری و همکار، ۱۳۹۷؛ پور آتشی، ۱۳۹۹)؛ آموزش (با نتایج بخشی جهرمی و همکاران ۱۴۰۰؛ پورآتشی، ۱۳۹۹؛ والیداینی و وینارو^۲، ۲۰۱۷)؛ شبکه‌سازی (با یافته‌های بخشی جهرمی و همکاران، ۱۴۰۰)، پشتیبانی فرهنگی (با نتایج نصیری و همکار، ۱۳۹۷؛ فهام و پرهیزکار، ۱۳۹۷) همخوانی دارند. در مورد مقوله ارتباطات پیشینه‌ای مشاهده نشد. در رابطه با شرایط زمینه‌ای که به شرایط خاصی که بر کنش‌ها و تعاملات تأثیر می‌گذارد گفته می‌شود بر اساس نتایج این پژوهش ۴ مقوله شناسایی شدند این یافته‌ها با نتایج تحقیقات پیشین نیز مطابقت داده شدند که در ادامه به اختصار آمده است. فرهنگ سازی (با یافته‌های چاوشی نجف‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۸؛ فهام و همکاران، ۱۳۹۷) مهارت‌های مدیریتی (با یافته‌های عزیزپوریان و همکاران، ۱۳۹۸) برنامه ریزی عملیاتی (با یافته‌های مارلیه و همکاران، ۲۰۱۸) استفاده از فناوری (با یافته‌های نصیری و همکار، ۱۳۹۷؛ ستاری و همکاران، ۱۳۹۷) مطابقت دارد.

وضعیت فعلی کشور، روند رو به رشد بیکاری در فارغ‌التحصیلان دانشگاهی به همراه ترکیب جمعیتی جوان کشور بیش‌ازپیش کشور را نیازمند یافتن زمینه‌های پیشرو در صحنه اقتصادی می‌کند. کارآفرینی به عنوان یک عامل کلیدی رشد و توسعه اقتصادی کشورها شناخته شده است؛ در این راستا ضرورت داشتن الگوها و راهکارهای مناسب جهت آموزش، تربیت و استفاده بهینه از نیروی فعال و کارآفرین بیشتر می‌شود. با توجه به اینکه باید پرورش کارآفرینان کشور در نظام آموزش و پرورش پایه‌گذاری گردد لزوم توجه به پایه‌گذاری مدارس کارآفرین در هنرستان‌ها با توجه به رسالت هنرستان‌ها در دستیابی به کسب‌وکارها و اشتغال‌زایی باید مورد توجه قرار گیرد. قابلیت درک فرصت توسط افراد یک جامعه، عامل سازنده برای کسب‌وکارهای نوپا و بروز رفتارهای کارآفرینانه است. با توجه به اهمیت و نقش

^۱ Ahuja, Akhtar & Wali

^۲ Walidaini & Winarno

تعلیم و تربیت به‌خصوص در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ضروری است در جهت بهبود کیفیت آموزش و پرورش، فعالیت‌های اساسی صورت گیرد تا از به هدر رفتن سرمایه‌های انسانی و مادی جلوگیری شود.

فهرست منابع فارسی

- ابراهیمی، پریسا. (۱۳۹۵). تحلیل برنامه درسی کار و فناوری دوره اول متوسطه بر اساس مهارت‌های کسب‌وکار سازمان جهانی کار، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی، تهران.
- آراستی، زهرا، کنعانی، احمد و سید قاسمی، نویسا سادات. (۱۳۹۲). انگیزه‌های کارآفرینی زنان و مردان در بخش صنعت شباهت‌ها و تفاوت‌ها، مجله زن در توسعه سیاست، ۱۱ (۱)، ۸۳-۱۰۰.
- امین خندقی، مقصود، جامه بزرگی، مرضیه و سعیدی رضوانی، محمود. (۱۳۹۱). نیازسنجی شایستگی‌های حرفه‌ای هنرآموزان هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای بر مبنای مدل بوریچ و مدل تحلیل کوآدرانت. دو فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی، ۱ (۲)، ۷۵-۹۸.
- بخشی جهرمی، مسیح اله، معظمی، مجتبی، کاوسی، اسماعیل و حسین پورسعادت آبادی، جعفر. (۱۴۰۰). تدوین الگوی توسعه فرهنگ کارآفرینی در دانشگاه فرهنگیان (رویکرد آمیخته)، فصلنامه نوآوری‌های مدیریت آموزشی، ۱۶ (۳)، ۱۱۸-۱۴۰.
- پسندیده فرد، کبری و کیانی مأوی، رضا. (۱۳۹۷). شناسایی و اولویت‌بندی معیارهای موفقیت آموزش کارآفرینی و توسعه اقتصادی براساس مدل تصمیم‌گیری چندمعیاره، مطالعات نوین کاربردی در مدیریت و اقتصاد، ۱ (۱)، ۱۰۱-۱۱۸.
- پورآتشی، مهتاب. (۱۳۹۹). بررسی اقدامات حمایتی از کارآفرینی در دانشگاه‌های منتخب جهان و تحلیل گزینه‌های حمایتی در دانشگاه‌های ایران، فصلنامه علمی مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، ۱۰ (۳۴)، ۸۲-۱۰۱.
- جلالی، خسرو و امینی، سامان. (۱۳۹۶). نوآوری، خلاقیت و کارآفرینی، دومین کنفرانس ملی رویکردهای نوین در آموزش و پرورش مازندران، محمودآباد.
- چاوشی نجف‌آبادی، زهره و داودی، سید محمدرضا. (۱۳۹۸). شناسایی عوامل موثر بر کارآفرینی آموزشی؛ مطالعه موردی هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای و کارودانش شهرستان نجف‌آباد، فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران، ۴ (۵۲)، ۹۱-۱۳۰.
- خورشیدی، عباس و فرخی، داود. (۱۳۹۱). مؤلفه‌های سازنده شایستگی مهارت‌آموختگان. دو فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی، ۲ (۱)، ۷۵-۹۸.
- زیوری، آمینه، محمدی خیاره، محسن، مظهري، رضا. (۱۳۹۹). مروری سیستماتیک بر عوامل اقتصادی مؤثر بر کارآفرینی، فصلنامه رشد فناوری، ۱۶ (۶۲)، ۳۲-۴۳.

- ستاری، صدرالدین، بهرام نیا، سردار و بهرام نیا، وحید. (۱۳۹۷). تأثیر مدارس کارآفرین بر توسعه و اشتغال زایی، نخستین کنفرانس ملی مدارس کارآفرین، اصفهان.
- طغریایی، محمدتقی، میرواحدی، سیدسعید، هاشمی، سمیه و محمدی، رحیم. (۱۳۹۷). به سوی الگوی عملیاتی مدرسه کارآفرین. نخستین کنفرانس ملی مدرسه کارآفرین (رویکردها، نظریه ها، ابعاد و تجارت کاربردی از کشورهای موفق)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، انجمن مدیریت آموزشی ایران شعبه استان اصفهان، تیرماه ۱۳۹۷.
- عباس زاده، سعید؛ شاهی، سکینه و مهرعلیزاده، یداله. (۱۳۹۷). تناسب آموزش های هنرستان های فنی و حرفه ای با نیازهای آموزشی صنایع کوچک شهر اهواز. دوفصلنامه مطالعات برنامه ریزی آموزشی، ۷(۱۴)، ۴۶-۷۰.
- عزیزپوریان، علی حسن، اسلام پناه، مریم، کرم افروز، محمدجواد، ملکیان، فرامرز و کاویانی، الهام. (۱۳۹۸). ساخت و اعتباریابی پرسشنامه نظام کارآفرین در هنرستان های فنی و حرفه ای، فصلنامه اندازه گیری تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی، ۹(۳۶)، ۱۹-۴۸.
- فهام، الهام و پرهیزکار، مرتضی. (۱۳۹۷). جایگاه توسعه کارآفرینی در سیاست ها و برنامه های ملی کشور، فصلنامه سیاست های راهبردی و کلان، ۶(۲۲)، ۴۱-۶۰.
- مهربانی، امید. (۱۳۹۷). کارآفرینی در مدارس، مجله رشد معلم، ۳۶(۸)، ۲۸-۳۰.
- نصرافهانی، حمید، شاهین، آرش، حکمت پناه، مسعود و نصری، مسعود. (۱۳۹۷). فلسفه مدارس کارآفرین و مدیریت در مدارس کارآفرین و نقش و تأثیر کتب کارآفرینی در مدارس و دبیرستان های کارآفرین ایران، نخستین کنفرانس ملی مدارس کارآفرین، اصفهان.
- نصیری ولیک بنی، فخرالسادات و سرچهانی، زهرا. (۱۳۹۷). طراحی مدل مناسب ایجاد مدرسه کارآفرین در مدارس دوره دوم متوسطه، طرح پژوهشی، آموزش و پرورش مازندران.

فهرست منابع انگلیسی

- Ahuja, V. Akhtar, A. & Wali, O.P. (2019). "Development of a comprehensive model of social entrepreneurial intention formation using a quality tool". *Jornal of Global Entrepreneurship Research*, 9:41
- Audretsch, D.B. Lehmann, E.E. & Menter, M. (2016). Public cluster policy and new venture creation. *Economia a politica Industriale*, 43(4), 537-381.
- Bager, T. (2011). Entrepreneurship Education And New Venture Creation: a Comprehensive Approach. In: Hindle, K. & Klyver, K. (Eds.) *Handbook of Research on New Venture Creation*. Cheltenham, England Edward Elgar.
- Caska, N. & Indrawati, H. (2018). Analysis of Factors Affecting Entrepreneurial Intrest of Vocational High School in Pekanbaru. *Jornal of Educational Sciences*, 2(2), 42-51.
- Corbin, J. & Strauss, A. (2008) *Basics of Qualitative Research*, Sage Publications, Los Angeles.

- Cunningham, J.A. Menter, M., & Wirsching, K. (2019). Entrepreneurial ecosystem governance: A principal investigator-centered governance framework. *Small Business Economics*, 52(2), 545-562.
- Edomgenet, H. I. & Zerebruk, Z.T. (2020). Entrepreneurial intent among prospective graduates of higher education institutes of higher education institution: an exploratory investigation in Kafa, Sheka, and Bench-Maji Zones, SNNPR, Ethiopia. *Journal of Innovation and Entrepreneurship*, 1-19.
- Hark, S. (2016). Contending directions. *Gender studies in the entrepreneurial university*, Women's Studies International Forum, 54:84-90.
- Hisrich, R. Peters, M. & Shepherd, D. (2016). *Entrepreneurship*, New York: McGraw-Hill Education, 10th Edition. 150-155.
- Li, L. & Wu, D. (2019). "Entrepreneurial education and students' entrepreneurial intention: does team cooperation matter?" *Journal of Global Entrepreneurship Research*. 9:33
- Marliyah, L. Sugiyo, Masrukhi, & Rusdarti. (2018). Model of Entrepreneurship Education in Vocational School on Agribusiness Study Programme. *Journal of Entrepreneurship Education*, 21(4).
- Paco, A.D. & Palinhass, M.J. (2011). Teaching Entrepreneurship to Children: a case study. *Journal of Vocational Education & Training*, 63(4), 593-608.
- Singer, MS., Amoros, J.E and Moska-Arreola, D. (2015), *Global Entrepreneurship Monitor. 2014 Executive report*. Wellesley, MA and London: Babson College and London Business School.
- Walidaini, B., Winarno, A. (2017). Vocational High school Students Entrepreneurship: The Success of family or School Education..? *Jurnal Pendidikan Bisnis dan Manajemen*.